

Arabism in the historical works of Ibn Ḥabīb Bagdadi (٢٤٥ AH)

Atiyeh Shariatnejad Kiasar¹ | Hadi Alem Zadeh² | Yones Farahmand³ | Masoumal Panjeh⁴

(DOI): [10.22034/SKH.2022.13820.1313](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.13820.1313)

Abstract

Original Article P 109 -128

Ibn Ḥabīb, a historian of the first half of the third century of the Hijrī, sometimes by collecting the works of others in a single collection and sometimes by composing innovative monographs, created works in the Arab history of the jāhili era and the first centuries of the Hijrī. Ibn Ḥabīb's writings are worthy of attention due to the fact that they contain a lot of material and content on the cultural and social history of ḌArabs, which are often not found in other sources, and examining his data is necessary to know the intellectual and cultural space of the first ḌAbbasid era. Analyzing Ibn Ḥabīb's works is very difficult due to the brevity of the data, especially the supply of just a few names of people in various subjects; Therefore, this research aims to find out, based on library studies and historical method with a descriptive-analytical approach, by comparing Ibn Ḥabīb's data with the writings and monographs of his contemporaries and historians, why Ibn Ḥabīb, who himself is a follower, tried to create works with ḌArab centrality in jāhiliya and islām? The findings indicate that Ibn Ḥabīb, in response to the disputed issues in the customary and jurisprudential rulings of her time, devoted herself to authoring such works; In addition to this, he was not oblivious to the criticisms of Ḍubi and the opinions of Christians in questioning the beliefs of Muslims, and in defense of the dignity of ḌArabs and confronting the doubts of Christians about islām, he presented evidence of the history and culture of ḌArabs in jāhiliya and early islam.

Keywords: Ibn Ḥabīb Baḡdādī, Arabism, ḡubīya, tārikḡ arab Army.

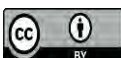
1. PhD candidate, Department of History & Civilization of Islamic Nations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. shariatnejad.63@gmail.com.

2. professor, Department of History & Civilization of Islamic Nations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author). farahmand@srbiau.ac.ir

3. Associate professor, Department of History & Civilization of Islamic Nations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. farahmand@srbiau.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of History & Civilization of Islamic Nations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. panjeh@srbiau.ac.ir.

Received: 2022/09/01 | Accepted: 2022/11/11



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

عرب‌گرایی در آثار تاریخی ابن حبیب بغدادی (د. ۲۴۵هـ)

عطیه شریعت‌نژاد^۱ | هادی عالم زاده (نویسنده مسئول)^۲ | یونس فرهمند^۳ | معصوم علی پنجه^۴

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2022.13820.1313](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.13820.1313)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۱۲۸/۱۰۹

چکیده

ابن حبیب مورخ نیمه نخست قرن سوم هجری؛ گاه با گردآوری آثار دیگران در مجموعه‌ای واحد و گاه با تألیف تک‌نگاشت‌هایی نوآورانه، آثاری در تاریخ عرب عصر جاهلی و سده‌های نخستین هجری پدید آورده است. تألیفات ابن حبیب به سبب احتوا بر انبوهی از مواد و مطالب در تاریخ فرهنگی و اجتماعی عرب، که غالباً نیز در منابع دیگر یافت نمی‌شود، درخور توجه‌اند. بررسی داده‌های وی برای شناخت مطابق با واقع از فضای فکری و فرهنگی عصر نخست عباسیان، ضرورت دارد. تحلیل آثار ابن حبیب به سبب ایجاز داده‌ها، به ویژه عرضه صرف نام شماری از افراد در موضوعات متنوع، بسیار دشوار است؛ بدین روی این پژوهش برآن است که بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و روش تاریخی با رویکرد توصیفی-تحلیلی، با مقایسه داده‌های ابن حبیب با تألیفات و تک‌نگاشت‌های مشایخ و مورخان هم‌عصرش دریابد که چرا وی که خود در زمره موالی است در صدد برآمده تا آثاری با محوریت عرب در جاهلیت و اسلام تدوین نماید؟

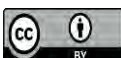
۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
shariatnejad.۶۳@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
farahmand@srbiau.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
farahmand@srbiau.ac.ir

۴. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
panjeh@srbiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱



یافته‌ها حاکی از آن است که ابن حبیب در پاسخ به مسائل مورد مناقشه در احکام عرفی و فقهی زمانه‌اش، به تألیف چنین آثاری همت گماشته است؛ افزون بر این، او از مطاعن شعوبیه و نیز نظرات مسیحیان در تشکیک عقاید مسلمانان غافل نبوده و در دفاع از منزلت عرب و مقابله با شیبهات مسیحیان پیرامون اسلام، شواهدی از تاریخ و فرهنگ عرب در جاهلیت و صدر اسلام عرضه کرده است.

کلیدواژه‌ها

ابن حبیب بغدادی؛ عرب‌گرایی؛ شعوبیه؛ تاریخ عرب.

مقدمه

محمد بن حبیب بغدادی (د. ۲۴۵هـ) در نیمه نخست قرن سوم هجری در بغداد زیسته است. از نسب وی اطلاع دقیقی در دست نیست. ابوطیب لغوی و تعدادی از مورخان، «حبیب» را نام مادر دانسته‌اند (قفطی، ۱۴۰۶: ۱۱۹/۳؛ ابوالطیب اللغوی، ۱۴۰۳: ۱۱۷؛ حموی، ۱۹۹۳: ۲۴۸۰؛ میمنی، بی‌تا: ۶۸). و ابن ندیم نیز با ذکر سلسله اسانید مادر ابن حبیب را کنیز عباس بن محمد و او را از موالی فرزندان عباس بن محمد معرفی کرده است. (زبیدی، ۱۹۸۴: ۱۹۸؛ ابن ندیم، بی‌تا: ۱۵۵)

با این که ابن حبیب در زمره موالی است، در موضوعاتی گوناگون نظیر انساب، شعر، ادب، اخبار شعراء و هر آنچه بازتابی از هویت عربی و به نوعی میراث عربی بوده آثاری با عناوین المُنَمَّق فی أخبار قریش، المَحَبَّر، أسماء المَغتالین من الاشراف فی الجاهلیة و الاسلام، أسماء من قُتِلَ مِنَ الشُّعراء، ألقاب الشُّعراء و من یَعْرِف منهم بِأُمَّه، أمّهات النبی، من نُسِبَ إلى أمّه من الشُّعراء، مُخْتَلِف القبائل و مؤتلفها، کُنَى الشُّعراء و من غَلَبَتْ کُنیتُه على اسمِه، خُلِقَ الإنسان فی اللُّغَة، ما جاء إسمانِ أحدهما أشهرٌ من صاحبه فُسْمِیا به، الامثالُ على أفعال، تدوین کرده است؛ این در حالی است که در روزگار او «نهضت شعوبیه» (ممتحن، ۱۳۵۴: ۱۹۴-۱۹۵) بار دیگر سر برآورده و در تقابل با دیدگاه «عرب‌گرایان» (ر.ک. ممتحن، ۱۳۵۴: ۱۴۵-۱۶۱) مبنی بر فضیلت و برتری عرب نسبت به اقوام دیگر، این بار نه صرفاً با شعار مساوات و برابری که با ادعای برتری عجم بر عرب توسعه می‌یافت. (ر.ک. ممتحن، ۱۳۵۴: ۱۴۵-۱۶۱)

نظر بر این که ابن حبیب هدفش را از تألیف آثار بیان نکرده و اغلب آثار وی جز المُنَمَّق فی أخبار قریش فقط عرضه شماری از نام‌ها در موضوعات متنوع‌اند، این نوشتار می‌کوشد تا با تأکید بر مؤلفه‌های فکری ابن حبیب نظیر «قریش»؛ «ظهور خاتم انبیاء از میان عرب»؛ «تاریخ عرب»؛ «مناقب عرب»؛ «جنگ‌آوری عرب»؛ «آداب عرب»؛ «زنان عرب» و مقایسه نظرات وی با دیدگاه

هم‌عصرانش نظیر جاحظ (د. ۲۵۵هـ) چرایی توجه وی به فرهنگ عربی و موضوعاتی از عصر جاهلیت و صدر اسلام در عصر نخست عباسیان را بررسی و تحلیل کند.

در باب پیشینه تحقیق باید گفت که تاکنون پژوهشی در تحلیل آثار ابن حیب بغدادی صورت نگرفته و تألیفات محققان بیش از همه معطوف به معرفی زندگی علمی و اجتماعی ابن حیب بوده است. در آثاری نظیر تاریخ نگاری در اسلام (روزنتال، ۱۳۶۳)، تاریخ نگاری در اسلام (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۸۸) و منابع تاریخ اسلام (جعفریان، ۱۳۹۳) ذکرهایی از ابن حیب آمده و در باب گونه‌شناسی آثار ابن حیب اطلاعاتی عرضه شده است. در تحقیقات مستقلی نظیر «محمد بن حیب و کتابش المَحَبَّر»^۲ از (ا.ل. اشتاتر، ۱۹۳۹)^۳ مدخل «Muhammad b. habib» تألیف ا.ل. اشتاتر در دائرة المعارف اسلام (ج ۷؛ ۱۹۹۳) و مدخل «ابن حیب» نوشته آ. آذرنوش در دائرة المعارف بزرگ اسلامی (ج ۳؛ ۱۹۹۵) نیز شرحی از زندگی علمی و اجتماعی ابن حیب عرضه شده که در شناخت ابن حیب و دسترسی به منابعی که حاوی اطلاعاتی از ابن حیب و آثارش بوده‌اند، در خور توجه است. ج. بری^۴ در مقاله‌ای با عنوان «فهرست‌ها و حافظه؛ ابن قتیبه و محمد بن حیب»^۵ (۲۰۰۳) المَحَبَّر ابن حیب را با المَعَارِف ابن قتیبه مقایسه کرده و معتقد است این دو کتاب حاصل و بیانگر حافظه فرهنگی مؤلفان آن عصر بوده است. عابد رحمان طَبَّار نیز در مقاله «المَحَبَّر ابن حیب و جای‌گاه آن در تاریخ‌نویسی نخستین اسلامی»^۶ (۲۰۱۸) المَحَبَّر را نخستین گام در تکامل تاریخ‌نگاری اسلامی به صورت عام و توجه به تاریخ جهان به صورت خاص معرفی کرده است. هیچ یک از این تحقیقات به لحاظ مندرجات، روی‌کرد و اهداف با پژوهش حاضر انطباق و هم‌پوشانی ندارد.

۱. قریش

از جمله مؤلفه‌های فکری ابن حیب در اثبات برتری عرب نسبت به دیگر اقوام تمرکز بر «قریش» است. وی در المنمق ابتدا نخستین دلیل سیادت قریش را برانگیخته شدن رسول خدا از میان آن‌ها و نزول قرآن به لهجه قریش معرفی کرده (ابن حیب، ز ۱۴۰۵: ۱۹) و با بهره‌گیری از تبحرش در

\ . A history of muslim historiography.

۲. «Muhammad ibn habib and his kitab al-muhabbar»

۳. Ilse Lichtenstadter.

۴. Julia bray.

۵. «Lists and Memory Ibn Qutayba and Muhammad b. Habib»

۶. «ibn habibs kitab al muhabbar and its place in early Islamic historical writing».

نسب‌شناسی بر شرافت پیامبر در نسب تأکید نموده است (ابن حبیب، ز ۱۴۰۵: ۱۹-۲۱): او با استناد به دیدگاه محمد بن سلام جُمحی (د. ۲۳۱هـ) فضیلت قریش و بنی‌هاشم نسبت به سایر امم را امری الهی دانسته است. (ابن حبیب، ز ۱۴۰۵: ۱۹-۲۱)

او با استناد به احادیثی از پیامبر با موضوع پیشوایی قریش در تمامی احوال به لزوم «قریشی بودن خلفاء» اشاره کرده (ابن حبیب، ز ۱۴۰۵: ۲۴) و با معرفی رسوم قریش در جاهلیت که برخی از آن‌ها به احکام فقهی و حقوقی مسلمانان راه یافته‌اند، نظیر قَسَامَة (ابن حبیب، ز ۱۴۰۵: ۱۹-۱۲۵)، تحریم شراب، ازلام (ابن حبیب، ز ۱۴۰۵: ۴۲۲) و نهی از پرستش بت‌ها (ابن حبیب، ز ۱۴۰۵: ۱۵۴-۱۵۲)، برتری قریش را نه صرفاً به واسطه اسلام که به روزگار جاهلیت رسانده است. آنچه ابن حبیب در آداب قریش آورده نیز ضمن اثبات برتری و الگو بودن قریش در تمامی احوال، روایاتی معنادار در مسائل زمانه‌اش بوده‌اند؛ برای نمونه: ظاهراً در روزگار ابن حبیب ابتلای افراد به نقائص جسمی از منزلت اجتماعی‌شان کاسته و عامل تحقیرشان بوده است؛ در این باره جاحظ که مقارن با دوران ابن حبیب زیسته در مقدمه البُرصان و العُرجان و العُمیان و الخُولان تأکید کرده که برخلاف دیدگاه هیشم بن عدی هدفش از معرفی صاحبان عیوب تحقیرشان نیست؛ بلکه در صدد است تا نشان دهد که ابتلای افراد بدان‌ها مانع پیش‌رفت‌شان نبوده است (جاحظ، الف ۱۹۹۰: ۳۱). به احتمال هدف ابن حبیب نیز در معرفی اشرافی از قریش که به عارضه‌ای مبتلا بوده‌اند کم‌اهمیت جلوه دادن نقائص جسمی افراد باشد. (ابن حبیب، ز ۱۴۰۵: ۳۸۷-۳۹۰، ۳۹۴، ۳۹۷، ۴۰۱-۴۰۶، ۴۲۱-۴۲۰)

توجه ابن حبیب به «داستان فیل» و نقل آن در مقدمه (ابن حبیب، ز ۱۴۰۵: ۲۶-۲۷) و در متن اثر (ابن حبیب، ز ۱۴۰۵: ۷۰) در بیان مناقب قریش و در اظهار برتری عرب، خواه جاهلی و یا مسلمان، بر مسیحیان بوده است؛ زیرا در روزگار عباسیان (۱۳۲-۶۵۶) در میان ادیان مناظره‌کننده بیش از همه مسیحیان به عقاید مسلمانان تشکیک وارد می‌کردند. ج.زیدان نیز با اشاره بر این موضوع معتقد است نقل ماجرای فیل و شکست ابرهه مسیحی از عرب در بزرگی قوم عرب و برتری ایشان مؤثر بوده و مردم مکه خود را افراد خدای می‌دانستند که آن‌ها را از شر دشمن محفوظ می‌دارد (حسن، ۱۳۷۶: ۵۷). اختصاص عنوانی مستقل به «قسامه» نیز صرفاً در تفاخر به قریش و رساندن مبدأ تشریح آن به دوران جاهلیت نبوده؛ بلکه به دلیل عدم جواز قسامه در روزگار امویان (۴۱-۱۳۲) و در مقابل رأی فقهی عباسیان (با استناد به این که پیامبر در دعوی قتل بین انصار و یهودیان خیبر به قسامه حکم نموده) به جواز مجدد آن (ابن رشد، ۱۴۱۵: ۳۵۹/۴) بوده است. از این منظر توجه به

این موضوع فقهی در عصر نخست عباسی رنگی سیاسی یافته است. (بخاری، ۱۴۲۳: ۱۷۰۷-۱۷۰۸)

بدین ترتیب نگارش المنمق افزون بر این که در بیان تفاخرات قریش می‌تواند باشد، در پاسخ به مطاعن شعوبیه و رد نظرات مسیحیان در تشکیک عقاید مسلمان نیز بوده است؛ افزون بر این‌ها اختلاف نظر جامعه عرب زمانه ابن حبیب در مسائل عرفی و فقهی سبب شده تا او با بهره‌گیری از عادات و رسوم اجتماعی قریش در جاهلیت که مورد تأیید اسلام بوده به درستی و یا نادرستی آن‌ها پاسخ دهد. برخلاف المنمق که صرفاً به «قریش» اختصاص یافته مؤلفه محوری ابن حبیب در تدوین دیگر آثارش تأکید بر تمامی قبایل عرب است. مؤلفه‌هایی نظیر ظهور خاتم انبیاء از میان عرب، توجه به گذشته‌های تاریخی عرب، مناقب عرب، زندگی اجتماعی و اقتصادی عرب، زنان عرب، قهرمانان عرب، جنگ‌آوری عرب و برجسته‌سازی پیروزی‌های عرب بر اقوام دیگر شواهدی بر این ادعا است. (ر. ک. امیدیان، ۱۳۹۶)

۲. ظهور خاتم انبیاء از میان عرب

ظهور اسلام و برانگیخته شدن پیامبری از میان عرب از دلایل برتری جویان عرب در برابر شعوبیه بوده است (امین، ۱۹۵۶: ۵۱/۱). ابن حبیب نیز در المحبر ضمن اشاره به اقوام و نژادهای مختلف یادآور شده که خداوند قوم عرب را برگزیده و خاتم انبیاء را در میان آنان قرار داده و پس از رسالت نیز خلافت را در میان عرب باقی نگاه داشته است؛ به همین دلیل، المحبر را با بیان مدت فاصله میان پیامبران اولوالعزم (آدم، نوح، ابراهیم، موسی، داود، عیسی و محمد رسول الله (ص) و طول عمر تمامی انبیا آغاز کرده (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۲-۵) و سپس ذیل عنوان «تولد پیامبر اسلام» وقایع مهم روزگار ایشان را برشمرده و پس از آن اسامی خلفاء (راشدین، اموی، و عباسی) را به همراه شرح مختصری از روزگارشان عرضه کرده است. (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۲-۱۲)

از ۱۶۷ عنوان مذکور در الْمُحَبَّر، ابن حبیب صرفاً ذیل سه عنوان «موالی مهاجران و انصار که در جنگ بدر حضور داشته و شهید شده‌اند»، «موالی رسول خدا» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۱۲۹)، و «موالی که به قرار مُکَاتَبَه (زیدان، ۱۳۹۴: ۶۶۳) آزاد شده‌اند» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۱۲۸) به جای‌گاه اجتماعی و نقش موالی توجه نشان داده (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۲۸۷، ۳۴۰-۳۴۸) که در این موارد نیز موالی در خدمت عرب و اسلام‌اند. در موارد دیگر ابن حبیب با ذکر اسامی افرادی از عرب که در جنگ‌ها حضور داشته‌اند (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۲۷۶-۲۷۸، ۲۷۸-۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷) و بیان تفاخراتی که اعراب به واسطه پیامبر بدان‌ها دست یافته‌اند، نظیر

«نخستین فردی از فرزندان مهاجرین که محمد نامیده شد»، «کسانی از انصار که محمد نامیده شده‌اند»، «مردی که رسول خدا با عمه و خاله او ازدواج کرد»، «اولین مولود بعد از هجرت در میان مهاجران قریش»، «اولین مولود بعد از هجرت در میان انصار» و «والیان پیامبر» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۲۶۲، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۹، ۱۲۶-۱۲۵) حضور تاریخی اعراب را در کنار پیامبر یادآور شده؛ چنان که از اسماء المغتالین یاد کرده است. (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۱۴۴/۶، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۶۱، ۱۶۲).

ابن حبیب در المحبر و دیگر آثارش القاب «رسول‌الله» و «نبی‌الله» را به کار برده است (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۱، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۴۶، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۷۰، ...): تأکید ابن حبیب بر الهی بودن نبوت پیامبر افزون بر تصریح به برانگیخته شدن رسول خدا از میان عرب، پاسخی به تلاش‌های علمای مسیحی در تشکیک عقاید مسلمانان نیز بوده است. از روزگار امویان (۴۱-۱۳۲) یوحنا دمشقی (د. ۱۳۲ ه) با طرح مباحث کلامی در صدد بوده که پیروان دین اسلام را به الوهیت مسیح و یا عدم مخلوق بودن او معترف سازد و تلاش‌های او به پیدایی اعتقاد «خلق قرآن» در میان مسلمانان و در نتیجه آغاز «محنة» در روزگار مأمون انجامید (که در آن به تفتیش و آزمودن عقیده قضات و شهود و محدثین در امر محدث و مخلوق بودن یا قدیم و ازلی بودن قرآن می‌پرداختند و این کار از روزگار مأمون عباسی، معتصم و واثق؛ یعنی از اوایل قرن سوم تا ۲۳۲ هجری که آغاز خلافت متوکل بود، به درازا کشید (ر، ک: جدعان، ۱۳۹۸). در این باره ابن حبیب ذیل عنوان «زنادقة قریش» به نقش محوری مسیحیان در پیدایی شکاف میان مسلمانان اشاره کرده است. (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱، ۱۶۰؛ جاحظ، ج ۲۰۰۲: ۲۶۵/۳-۲۶۶)

۳. تاریخ عرب

توجه به گذشته قوم عرب نمونه دیگری از تلاش‌های ابن حبیب در برجسته کردن ویژگی‌های قوم عرب است. او افزون بر این که عنوانی را به «تاریخ عرب» اختصاص داده (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۹) به حکومت‌ها و تمدن‌های باستانی عرب نیز توجه کرده و ذیل عناوین «اسامی آل لخم (از پادشاهان حیره)»، «اسامی پادشاهان حمیر از هشام بن کلبی»، «اسامی پادشاهان کنده»، «سبب تشکیل حکومت غسان و اسامی پادشاهان غسان» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۵۸-۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۸-۳۷۰، ۳۷۲-۳۷۰) مفاخرات‌شان را برشمرده و گاه آن‌ها را با آیاتی از قرآن مطابقت داده است؛ برای نمونه: «عمرو بن عدی بن نصر ... اولین کسی از ملوک عرب است که حیره را به عنوان منزل برگزید»، «نعمان بن امرئ القیس سوارکاری/جنگاوری دلیر بود. او کاخ خورتق را برای بهرام گور بنا

نمود» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۵۸)؛ «منذر بن امرئ القیس و او ذوالقرنین است» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۵۹، ر.ک: ابوالکلام آزاد، ۱۳۸۰: ۱۶۸-۲۸۸) «عمرو بن منذر بن امرئ القیس ... در روزگار او رسول خدا صلی الله علیه متولد شد» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۵۸)؛ «در زمان ایاس بن قبیصة خداوند - عز و جل - رسول خدا را به پیامبری مبعوث نمود. ... در زمان او واقعه ذی قار که عرب بر عجم پیروز گشت رخ داد» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۶۰)؛ «در زمان نعمان بن منذر بن منذر، خالد بن ولید به حیره آمد» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۶۱)؛ «بلقیس بنت یسرح ... عاقل ترین زنان بود ... او صاحب هدهد بود... سلیمان بن داود صلی الله علیهما با او ازدواج کرد» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۶۷)؛ «زرعه ملقب به ذونواس ... یوسف نامیده می شد و صاحب أخذود بود». (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۶۸)

تلاش ابن حبیب در برجسته کردن پادشاهان عرب پیش از اسلام بیش از همه واکنشی در برابر تفاخرات شعوبیه به تاریخ درخشان و قدمت فرهنگ و تمدن ایرانیان بوده؛ زیرا از حکومت های ممالک هم جوار با عربستان صرفاً «اسامی پادشاهان فارس» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۶۱) را ذکر کرده و به زشتی های پادشاهان در رفتار و اعمال شان، ظهور خاتم انبیا در زمانه شان و پایان یافتن پادشاهی ملوک فارس به دست اعراب توجه نشان داده است (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۶۱-۳۶۲). ابن حبیب پیش تر ذیل عنوان «فرستادگان پیامبر نزد پادشاهان و اشراف» صراحتاً آورده است: «فارسیان پس از دعوت رسول خدا هرگز رستگار نشده اند» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۷۸) و ذیل معرفی ملوک حیره به واقعه «ذی قار» که به پیروزی عرب بر عجم منتهی شده توجه کرده است (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۶۰، ۳۵۹). ابن حبیب در المنمق نیز از ایرانیان با تعبیر «عجم» یاد کرده و در مقابل، عرب را قومی برگزیده از جانب خداوند دانسته و گفته: «خداوند عرب را بر عجم برتری داد؛ زیرا آن ها با دختران و خواهران شان ازدواج نمی کردند. (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۲۱)

۴. مناقب عرب

از جمله تلاش های برتری جویان عرب در برابر مطاعن شعوبیه تأکید بر صفات اخلاقی عرب بوده و در این باره صفات متعددی برای اعراب برشمرده و بر مهمان دوستی، سخاوت، کرامت نفس، غیرت عرب و نظایر این ها تأکید کرده اند (امین، ۱۹۵۶: ۵۱/۱). ابن حبیب نیز در المحبر به مناقب تمامی قبایل عرب توجه نشان داده و ذیل این عناوین تفاخرات عرب را برشمرده است: حاکمان عرب؛ رهبران عرب در امور دینی؛ بهترین راه شناسان عرب؛ سخت کوشان عرب در جنگ؛ جمّرات عرب (جمّرات عرب سه قبیله بنوضبه بن اُد، بنو حارث بن کعب و بنو نمیر بن عامراند و منظور از

جَمَرَات قبائلی اند که با کسی جز خودشان عهد و پیمان نیستند و هیچ غریبه‌ای بر آن‌ها وارد نشده است. ر.ک: ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۲۳۴؛ بخشندگان جاهلیت از تمامی قبایل عرب؛ داوران عرب؛ جَمَاجِم عرب جماجم عرب رؤسای قبایل عرب و بزرگانشان در عزت و شرف بوده‌اند» (ابن منظور)؛ قبایلی که تکیه‌گاه عرب بوده‌اند؛ زیرکان عرب (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۱۳۲) و نیرنگ‌بازترین عرب در ترفندزدن». (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۱۳۲؛ جاحظ، ب بی‌تا: ۸/۱-۹، ۱۱)

۵. جنگ‌آوری عرب

ابن حبیب در پاسخ به طعنه شعوبیان به بی‌بهره بودن عرب از دانش جنگ (جاحظ، بی‌تا: ۱۶-۱۷/۳) ذیل عناوینی، جنگ‌آوری عرب را یادآور شده است. او به تفصیل نام فرماندهان جَزَّار (جرار آن شخصی است که در نبرد فرماندهی سپاهی هزار نفره و یا بیش‌تر از آن را عهده‌دار باشد)؛ ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۲۴۹) و تعداد نفرات‌شان را ذکر کرده (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۲۴۹-۲۵۰: ۲۵۰-۲۵۱: ۲۵۲-۲۵۳) و چهار تن از جاسوسان پیامبر را در جنگ بدر و سایر جنگ‌ها معرفی کرده است (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۲۸۵). در المنمق نیز ذیل عناوین «اسامی اسب‌های قریش»؛ «اسامی شمشیرهای قریش» و «سواره‌نظامان قریش» به آشنایی عرب جاهلی به سلاح توجه نشان داده و اشعاری را در مدح برندگی و تیزی شمشیرهای ایشان آورده است (ابن حبیب، ز ۱۴۰۵: ۴۰۶، ۴۱۱، ۴۱۹).

از دیگر خصوصیات عرب که تعلیم آن از زمان جاهلیت مرسوم بوده اِغْتِیَال و فتک است و ابن حبیب در این باره آورده است: «در بین اعراب جاهلی آموزش قتل و جنایت معمول بوده و ابوالخریف عبید بن نُشَیْبَةُ مُرَی کشتن به فتک را به حارث بن ظالم اَمُوخْت» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۱۹۲). به یک‌باره کشتن از منظر بسیاری از ملل آن روزگار و حتی امروزه نیز ناپسند است؛ با این همه ابن حبیب در المحبر صفحاتی چند را به معرفی فتاکان عرب در جاهلیت و اسلام اختصاص داده و در اثری مستقل با عنوان اَسْمَاءُ الْمُغْتَالِینَ (جواد علی، ۱۹۷۶: ۶/۴: ۶۷۴) مِنَ الْاَشْرَافِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْاِسْلَامِ ۱۲۳ تن از اشراف و شاعرانی را که به «غیلة» کشته شده‌اند، معرفی کرده است (ر.ک: ابن حبیب، د ۱۳۹۳: ۶/۱۵۹، ۱۶۹، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۲، ...). او در تأیید این خصلت عرب چهار تن از فتاکانی را که به امر رسول خدا کعب بن اشرف را ترور کرده‌اند، نام برده است. (ابن حبیب، د ۱۳۹۳: ۶/۱۴۴)

۶. آداب عرب

توجه به عادات و رسوم اجتماعی عرب در عصر جاهلیت از مؤلفه‌های دیگر است که ابن حبیب در دفاع از خصوصیات قوم عرب از آن بهره برده است. او در پاسخ به ادعای شعوبیه که اعراب در

طول تاریخ حکومتی نداشته و جز غارت‌گری و مردم‌کشی هنری نداشته‌اند (ر.ک حموی، ۱۹۹۳: ۳۲۳/۱؛ ابن قتیبه، ۱۴۲۳: ۵۲۴؛ امین، ۱۹۵۶: ۶۶/۱)، قبایل عرب پیش از اسلام را به سه قبیلهٔ حُمس، جَلَه و طُلَس تفکیک نموده و عادات و رسوم هر یک از آن‌ها را در زمان حج معرفی کرده است. (ر.ک: ابن حیب، ه ۱۳۶۱: ۱۷۹-۱۸۱)

ذکر اسامی تمامی بت‌های شبه جزیرهٔ عربستان به همراه جنس بت‌ها، تلبیه هر یک از آن‌ها و قبایلی که سدان (تولیت و پرده‌داری/دهخدا) آن‌ها را عهده‌دار بوده‌اند، حاکی از تأکید او بر دین‌داری و تقید عرب جاهلی در انجام مناسک حج است؛ به ویژه آن‌که در خاتمهٔ این مبحث عرب جاهلی را معتقد به روز حساب و قیامت معرفی کرده است. (ابن حیب، ه ۱۳۶۱: ۳۲۳)

ابن حیب در المنق ذیل عنوان «داستان قیس بن نُشَبَه و جوار او به عباس بن عبدالمطلب»، «داستان عبدالله بن جدعان»، «بخشندگان عرب» و «طعام‌دهندگان قریش در جنگ‌ها» (ابن حیب، ز ۱۴۰۵: ۱۳، ۱۵۰، ۳۷۱، ۳۸۹) به صفت مهمان‌نوازی در نزد عرب توجه نشان داده است. او در المحبر نیز ذیل عنوان «بخشندگان عرب در جاهلیت و بخشندگان عرب در اسلام» ۶۷ تن را بر شمرده و در مواردی داستانی از سخاوت و مهمان‌نوازی ایشان شرح داده است (ابن حیب، ه ۱۳۶۱: ۱۵۶-۱۳۷). او به دنبال پیوند دادن رسوم قوم عرب با قوانین اسلامی ضمن معرفی بسیاری از آداب اجتماعی و فرهنگی عرب (ابن حیب، ه ۱۳۶۱: ۱۳۷، ۱۹۲، ۲۳۶، ۲۴۱، ۲۳۷، ۲۶۳، ۳۰۹)، سابقهٔ برخی از احکام عرفی، فقهی و حقوقی اسلام را به عصر جاهلیت رسانده است؛ برای نمونه:

«قریش در عرفات وقوف نمی‌کرد و در مُزْدَلِفَه نمی‌ماند تا این که قصی بن کلاب مَشْعَر الحرام را در مُزْدَلِفَه بنا نهاد تا حجاج پس از پایان وقوف در عرفات در مَشْعَر الحرام اجتماع کرده به یک‌دیگر نزدیک شوند. خداوند نیز در اسلام مشعر الحرام را قرار داد و امر به توقف در مُزْدَلِفَه برای خواندن دعا و انجام عبادت کرد» (ابن حیب، ه ۱۳۶۱: ۲۳۶)؛ «عمر بن ظَرِبِ عَدوانی زنا، نوشیدن شراب و خوردن مردار را حرام دانسته و این احکام در اسلام نیز تأیید شده است» (ابن حیب، ه ۱۳۶۱: ۲۳۶)؛ «کسانی که در جاهلیت شراب و قرعه با اِزْلام را حرام کرده‌اند» (ابن حیب، ه ۱۳۶۱: ۲۳۷-۲۴۱)؛ «عرب‌ها غسل جنابت داشته‌اند و مرده‌های ایشان را نیز غسل و کفن می‌کردند و بر آن‌ها نماز می‌خواندند. نماز آن‌ها بدین‌گونه بوده که مرده را روی تابوتی (تختی) نهاده و ایستاده تمامی محاسن او را می‌شمردند و در پایان می‌گفتند: رحمت خدا بر او باد! سپس دفن‌اش می‌کردند. و خداوند - عز و جل - فرمود: و آن‌ها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلی

خاطر آنها شود و خدا شنوا و دانا است (توبه: ۱۰۳) « (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۲۱)؛ «وفای به عهد داشته و مردار نمی‌خوردند و اسلام این‌ها را تأیید کرده است» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۲۹). افزون بر این‌ها ابن حبیب برخی از رسوم عرب جاهلی را سبب برتری و تمایز آن‌ها نسبت به سایر امم دانسته است: «عرب ده کار را انجام می‌داد که سایر امم انجام نمی‌دادند. آنچه مربوط به سر است شامل مَصْمَصَه، استنشاق، مسواک کردن، فرق گرفتن، کوتاه کردن سیبیل و آنچه مربوط به بدن است: ختنه، تراشیدن موی شرم‌گاه، کندن موی زیر بغل، کوتاه کردن ناخن، شستن مخرج با آب» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۲۹). این عادات در زمان اسلام مورد تأیید پیامبر قرار گرفته است. بخاری، ۱۴۲۳: ۱۴۸۶-۱۴۸۷)

ابن حبیب با معرفی مناصبی نظیر «داوران عرب»: «صاحب شرطگان خلفاء»؛ «اشراف معلم و فقهای‌شان» ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۷۳، ۷۷-۳۷۹، ۲۶۸-۲۷۴، ۴۷۵) به نظام داوری و حقوقی عرب در جاهلیت و صدر اسلام توجه نشان داده و برخی از رسوم عرب جاهلی را که به احکام جزایی اسلام راه یافته‌اند معرفی کرده است؛ نظیر قطع دست دزد، به صلیب کشیدن راه‌زن (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۲۷-۳۲۵) و سنت قَسَامَه (ابن حبیب، ز ۱۴۰۵: ۱۲۵). او برای بازنمایی زندگی اقتصادی عرب در دوران جاهلیت و صدر اسلام به مشاغل عرب توجه نشان داده «توشه‌داران کاروان»؛ «اسامی اشراف کاتب»؛ «حاجبان رسول خدا و خلفاء»؛ «نقیبان رسول خدا و بازارهای مشهور عرب و قبایل و اقوامی را که در آن بازارها به خرید و فروش مشغول بوده‌اند (ابن حبیب، ز ۱۴۰۵: ۲۳۳-۲۶۸)، معرفی کرده است. این عناوین حاکی از جهت‌گیری ابن حبیب در برجسته نمودن خصائل عرب و پاسخ به مطاعن شعوبیه است؛ با این همه به نظر می‌رسد او از اختلافات میان عرب در این موضوعات نیز غافل نبوده و به نوعی دیدگاه خود را ذیل هر یک از عناوین اعمال کرده است؛ برای نمونه در سنت فرهنگی عصر عباسیان کتابت در شمار مشاغل مهم و در مقابل، تجارت حقیر و پست بوده است. چنان که ابن کلیبی در المثلث‌ش عنوانی را به تجارت قریش اختصاص داده و اشرافی از قریش را که تاجر پارچه و عطر بوده‌اند معرفی کرده است (ابن کلیبی، ۱۹۷۷: ۱۷-۱۸). ابن حبیب در دیدگاهی متفاوت با استادش ابن کلیبی، نه تنها تجارت را در شمار مثالب نیاورده؛ بلکه به تفصیل سفرهای زمستانی و تابستانی قریش به یمن و شام را شرح داده و با اختصاص عنوانی مستقل به «ایلاف قریش» به شأن نزول سوره‌ای از قرآن با موضوع تجارت قریش توجه نشان داده است. ابن حبیب، ۱۴۰۵: ۴۲-۴۳، ۲۱۹؛ جاحظ، ب بی تا: ۸۱-۸۲)

در باب کتابت نیز ابن حبیب، زید بن ثابت انصاری را به عنوان کاتب رسول خدا معرفی کرده و او

را عالم در فقه، قرائت و فرائض دانسته است (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۷۷). این در حالی است که جاحظ در رساله دَمَّ أَخْلَاقِ الْكُتَّابِ صراحتاً کاتبان را از جهت کم‌توجهی به علوم، دشمنی و منافرتی که میان ایشان بوده سرزنش کرده و با استناد به آیه‌ای از قرآن به نهی از این شغل تأکید کرده است. (جاحظ، ۲۰۰۲: ۱۹۰/۲-۲۰۹)

حجابت نیز در زمرهٔ مشاغل مهم عصر عباسی بوده و ابن حبیب ذیل عنوان «اسامی حاجبان و کسانی که حاجب رسول خدا و خلفای پس از وی بوده‌اند» خدمتکاران خصوصی پیامبر و خلفا را با عنوان «حاجب» معرفی کرده است: «أَنَّ أذن دهنده برای دیدار با پیامبر از موالی او بود. شُدِّدَ موالی ابوبکر حاجبش بود. یرفاً موالی عمر حاجبش بود و حُمران موالی عثمان حاجبش بود و قنبر موالی علی حاجبش بود و ...». این در حالی است که جاحظ در رساله الحُجَّابِ ذیل عنوان «آنچه در بارهٔ حِجَابِ آمده و نهی از آن» شغل حجابت را در زمان پیامبر و خلفای راشدین ممنوع دانسته و نمونه‌هایی از روایات و نامه‌های پیامبر و عمر بن خطاب را در این باره نقل کرده است. (جاحظ، ۲۰۰۲: ۳۰/۲-۳۱)

۷. زنان عرب

از دیگر مباحث اجتماعی مورد توجه ابن حبیب که در غالب آثارش نمودی آشکار یافته «زنان عرب» است. حدود ۴۰٪ از مطالب المحبر موضوعاتی پیرامون زنان عرب در عصر جاهلیت و صدر اسلام است و تدوین اُمّهات النبی، مَن نُسِبَ إِلَى أُمَّةٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ، أَلْقَابُ الشُّعْرَاءِ و مَن يُعْرِفُ مِنْهُنَّ بِأُمَّةٍ نیز بیانگر تلاش ابن حبیب در برجسته نمودن جای‌گاه زنان عرب عصر جاهلیت و صدر اسلام و نقش تأثیرگذار ایشان در هویت مردان است.

به نظر می‌رسد توجه گستردهٔ ابن حبیب به زنان عرب در عصر جاهلیت و صدر اسلام روایاتی معنادار و شرحی بر احوال زنان عرب روزگارش باشد. در عصر نخست عباسی فزونی کنیزان ایرانی و ترک از منزلت و جای‌گاه اجتماعی زنان عرب کاسته (حسن ابراهیم حسن، ۱۳۷۶: ۹۱۸، ۹۳۲) و هجین بودن (فرزندی که از پدر آزاد و مادر کنیز به دنیا آید؛ دهخدا) بسیاری از خلفای عباسی (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۵، ۳۸، ۴۱، ۴۳، ۴۴) از عوامل مؤثر در بی‌توجهی بدان‌ها بوده است. منصور خلیفهٔ عباسی در پاسخ به نفس زکیه که خود را از حیث شرف و نسب به فاطمه جدّهٔ پیامبر، خدیجه همسر پیامبر و فاطمه دختر پیامبر منتسب کرده و برتر از منصور دانسته، نوشته است: «نامهٔ تو را خوانده‌ام، همهٔ افتخار تو به قرابت زنان بوده که خواسته‌ای اوباش را بدان گمراه کنی، اما خداوند زنان را به مرتبهٔ مردان و پدران و عمویان نرسانیده و خداوند عمو را همانند پدر کرده و در کتابش

(قرآن) آن را بر مادر دور مقدم داشته است. «...» (طبری، بی‌تا، ۵۶۸/۷)

ابن حبیب در مخالفت با این دیدگاه در الْمُحَبَّر، به جای نسب‌شناسی از جانب پدر، نسب پیامبر و خلفا را از جانب مادر معرفی کرده (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۸-۳۳) و برای نشان دادن تأثیر شرافت حسبی و نسبی زنان در جای‌گاه اجتماعی مردان در سه عنوان مجزا خلفایی را که مادران‌شان قرشی، عرب و کنیزی بوده‌اند از یک‌دیگر تفکیک کرده است (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۴۵). عناوینی نظیر «اولین کسی که از مادر هاشمی متولد شده»، «اولین کسی که تا سه نسل از جانب مادر هاشمی است» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۲۶۲)؛ «اشرافی که مادران نصرانی داشته‌اند» و «کسانی که مادران حبشی داشته‌اند» (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۰۵، ۳۰۶-۳۰۹)، نمونه‌هایی دیگر در این باره‌اند.

او در اثری مستقل با عنوان امهات النبی با بهره‌گیری از علم نسب‌شناسی، مادران پیامبر، مادران پدر و اجداد پیامبر (عبدالله، عبدالمطلب، هاشم، عبدمناف، قُصَى، کلاب، مُرَّة، کعب، لُؤَى، غالب، فِهْر، مالک، نَضْر، کِنَانَة، حَزِيمَة، مُدْرِكَة، الیاس، مُضَر، نِزار، مَعَد) را معرفی کرده و نسب مادری معد را به اِرم بن سام بن نوح رسانده است. (ابن حبیب، ج ۱۴۱۶: ۱-۳۳)

بنا بر اقوالی، ابن حبیب منسوب به نام مادرش بوده (ابوالطیب اللغوی، ۱۴۳۰: ۱۱۷؛ حموی، ۱۹۹۳: ۲۴۸۰) و در زمانه‌ای که زنان از جای‌گاه اجتماعی چندانی برخوردار نبوده‌اند او با تبحرش در دانش نسب‌شناسی و علاقه حاکمان زمانه‌اش به تحقیق در شعر و احوال شاعران (زیدان، ۱۳۹۴: ۵۲۰) آثاری با عناوین مَن نُسِبَ إِلَى أُمَّةٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ، أَلْقَابُ الشُّعْرَاءِ وَ مَن يَعْرِفُ مِنْهُمْ بِأُمَّةٍ تَدْوِينُ کرده است. ابن حبیب در این آثار شاعرانی از عصر جاهلیت و صدر اسلام را که منسوب به نام مادراند، خواه کنیزی و یا آزاده (ابن حبیب، ج ۱۳۷۰: ۸۵، ۹۰، ۹۳، ۹۴)، معرفی کرده و یادآور شده که انتساب به نام مادر صرفاً برای تحقیر نبوده است. بدین منظور ذیل نام هُذَیل بن دُثَیبه سروده‌ی وی را در تفاخر به منسوب بودن به نام مادرش نقل کرده: «کسانی که مرا نمی‌شناسند بدانند که من فرزند بانو دُثَیبه‌ام که بزرگوار، پاک‌دامن و صاحب نسب است» (ابن حبیب، ج ۱۳۷۰: ۹۰) و در موردی دیگر نیز آورده است: «عُتَیْبَة بن مِرداس نام «فَسَوَة» را که متعلق به مادر شاعری دیگر بوده، با مبلغی پول خریداری کرده است». (ابن حبیب، ج ۱۳۷۰: ۸۹)

ابن حبیب ذیل عناوینی نظیر «زنانی از قبایل مختلف که با پیامبر بیعت کرده‌اند» (ر.ک: ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۴۰۶-۴۳۲) و «رابطه سببی و نسبی زنانی از عرب با مردان حاضر در جنگ‌های مهم صدر اسلام نظیر «بدر» و «احد» نقش تأثیرگذار زنان عرب را در صدر اسلام یادآور شده (ابن حبیب، ه ۱۳۶۱: ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵) و در مخالفت با برخی رسوم رایج

زمانه‌اش به آداب عرفی عرب جاهلی و صدر اسلام در رابطه با زنان توجه کرده است؛ برای نمونه: با طرح نظریه وراثت اعمام از جانب منصور مجدداً سنت عرب جاهلی در محروم نمودن دختران از ارث مورد توجه قرار گرفت (اشرفی، ۱۳۹۶: ۷۷-۸۰). ابن حیب نیز در مخالفت با این دیدگاه آورده است: «در جاهلیت تنها مردان ارث برده و دختران از ارث ممنوع بوده‌اند؛ اما عامر بن جشم در جاهلیت برای دختران ارث قرار داد و اسلام نیز این حکم را تأیید کرده» (ابن حیب، ه ۱۳۶۱: ۲۳۶) و ذیل ماجرای دختران اوس بن ثابت با استناد به آیاتی از قرآن تأیید حکم عامر بن جشم را یادآور شده است. (ابن حیب، ه ۱۳۶۱: ۳۲۵)

ابن حیب در آداب نکاح در جاهلیت امتناع عرب از ازدواج با دختر، مادر، خاله، خواهرزاده، برادرزاده و عمه‌های ایشان را امری شایسته (ابن حیب، ه ۱۳۶۱: ۳۲۵-۳۲۶) و انواع نکاح را در جاهلیت چهار قسم دانسته است: زنی که با خطبه به عقد کسی درآید؛ زنی که با مردانی متعدد دوستی کند و چون فرزندی آورد بگوید از آن فلانی است و سپس به عقد مرد درآید؛ زنان «ذات رایة» زنانی که بر سر در خانه‌هاشان پرچم نصب می‌کردند و این بدان مفهوم بود که هر مردی می‌تواند با او هم‌بستر شود. در خصوص فرزند حاصل از این هم‌بستری اگر دو نفر در یک «طهر» با این زن آمیزش می‌کردند زن آن مولود را به یکی از آن دو ملحق می‌کرد و چنین زنی «مُقسَّمة» نام داشت؛ گاهی مردی پس از نزدیکی کردن با امة / کنیز شخص دیگر فرزند آن کنیز را می‌خرید، سپس رغبت می‌یافت و او را فرزند خوانده قرار می‌داد، در آن هنگام «امة» را نیز خریداری و به همسری اختیار می‌کرد» (ابن حیب، ه ۱۳۶۱: ۳۴۰). ابن حیب در تأکید بر این که ازدواجی به نام «پیوند زناشویی» در میان عرب مرسوم بوده به قوانین خطبه خواندن در حین عقد اشاره کرده است: «زن را از پدر، برادر، عمو و یا یکی از پسرعموهایش خواستگاری می‌کردند. در هنگام خواندن خطبه کف دست را بر کف دست می‌نهادند. اگر یکی از آن‌ها در حسب برتر از دیگری بود برای او مهریه تعیین می‌کردند. دختر هَجین با پسری هَجین ازدواج می‌کرد». (ابن حیب، ه ۱۳۶۱: ۳۱۰)

ظاهراً در عصر نخست عباسیان و در دوره‌های بعد نکاح مجدد زنان ناپسند بوده است. ابوبکر خوارزمی (۳۲۳-۳۸۳ ه) که ۷۵ سال پس از ابن حیب می‌زیسته در الرسائل اش ذیل عنوان «آداب و رسوم و اخلاقیات مردم» ازدواج زنان بیوه را ناپسند دانسته است (خوارزمی، ۱۳۸۴: ۲۱۳-۲۱۴)؛ با این حال جاحظ که در روزگار ابن حیب می‌زیسته، ذیل عنوان «از اشتباهات تفاوت میان زنان آزاد و کنیزان» آورده است: «... آن‌ها هیچ مشکلی در تعدد ازدواج زنان نداشته‌اند و تنها مرگ مانع زن در ازدواج مجددش بوده؛ اما امروزه زنان از این امر بیزاراند و در برخی موارد آن را تحمل می‌کنند. زنان

آزادی را که پیش‌تر ازدواج کرده‌اند از ازدواج مجدد معاف می‌دارند و مردان از خطبه خواندن بر او عار داشته و این عمل را پست می‌شمردند و از کنیزانی که شمار بسیاری از آن‌ها از موالی‌اند بهره می‌برند» (جاحظ، ۲۰۰۲: ۷۱/۳-۷۲). ابن حبیب نیز ذیل دو عنوان «زنان وفاداری که بعد از مرگ همسران‌شان ازدواج نکرده‌اند» و «اسامی زنانی که سه بار یا بیش‌تر ازدواج کرده‌اند» (ابن حبیب، ۱۳۶۱: ۴۳۵-۴۳۵) به موضوع نکاح مجدد زنان توجه نشان داده و به نظر می‌رسد در این باره با جاحظ هم‌عقیده باشد؛ زیرا ذیل عنوان «زنان وفادار» صرفاً سه تن از زنان اشراف را نام برده و ذیل عنوان «زنانی از اشراف که سه بار و یا بیش‌تر ازدواج کرده‌اند» ۷۸ تن از زنان اشراف را معرفی کرده است.

مسئلهٔ حجاب زنان نیز از دیگر موضوعات فقهی مورد مناقشه در زمانهٔ ابن حبیب است. جاحظ با استناد به وضعیت حجاب زنان در جاهلیت و صدر اسلام حجاب را مختص همسران پیامبر دانسته (جاحظ، ۲۰۰۲: ۶۶/۳) و در رسالهٔ القیان به طواف عریان ضباعة و رسمی که پس از این ماجرا رایج شده توجه کرده است: «مُطَلِّب بن ابی‌وداعة گفت: او را دیده‌ام که عریان به دور کعبه طواف می‌نمود و من در آن زمان نوجوان بودم و ... گفت: دختران خلفاء و مادران‌شان به هنگام طواف چهره‌شان را نمی‌پوشانند و جز با این شرط حج‌شان کامل نمی‌شد» (جاحظ، ۲۰۰۲: ۶۷/۳). ابن حبیب صراحتاً در این باره نظری نداده؛ اما او نیز به داستان هشام بن مُغیره و ضباعة توجه نموده و ماجرای طواف عریان ضباعة را شرح داده است. (ابن حبیب، ز ۱۴۰۵: ۲۲۵-۲۲۶)

بدین ترتیب ابن حبیب در دفاع از خصوصیات قوم عرب مباحثی را از عادات و رسوم عرب گرد آورده که در حقیقت گاه پاسخی به مطاعن شعوبیه؛ گاه در دفاع از هویت عرب مسلمان در برابر مسیحیان و گاه در تأیید و یا مخالفت با رسوم رایج در روزگارش بوده است.

نتیجه‌گیری

ابن حیب از موالی است؛ با این همه او در شمار اندیشمندانی است که در پاسخ به نیازهای فرهنگی و اجتماعی زمانه‌اش، توجه به عرب و فرهنگ عربی را برگزیده و هر آنچه از موالی در آثارش ذکر کرده نیز تماماً در خدمت اسلام و جامعه عرب است. او در ضرورت پیروی از حاکم عرب برای یکپارچگی جامعه مسلمان، یادآور شده که خداوند «نبوت» و «خلافت» را در میان عرب قرار داده است؛ زیرا افزون بر «شعوبیه»، تلاش‌های مسیحیان در تشکیک عقاید مسلمانان نیز سبب تفرق جامعه اسلامی، اعم از عرب و موالی، از یک‌دیگر بوده است.

ضمن این که ابن حیب از موضوعات مورد مناقشه میان عرب در احکام عرفی و فقهی غافل نبوده؛ در لزوم اتفاق نظر اعراب در این مباحث با معرفی احکام اسلامی که مبدأ تشریح آن‌ها روزگار جاهلیت بوده، رساندن سابقه مشاغل دیوانی عصر عباسیان به صدر اسلام، توجه به ایلاف قریش در مخالفت با پست شمردن شغل تجارت، قسامه و نظایر این‌ها در پی برجسته نمودن رنگ عربی از دست رفته در روزگارش برآمده است.

ابن حیب در تلاش برای بازیابی منزلت از دست‌رفته زنان عرب زمانه‌اش در الْمُحَبَّر و امهات النبی از منظر نسب‌شناسانه تأثیر شرافت نسبی زنان را در جای‌گاه اجتماعی پیامبر، خلفاء و بزرگان عرب یادآور شده و در سطحی وسیع‌تر در الْمُحَبَّر با ذکر رسوم عرب جاهلی و صدر اسلام تلویحاً با قوانین عرفی و فقهی زمانه‌اش در مورد زنان نظیر حجاب زنان، پایین بودن مرتبه اجتماعی آنان نسبت به مردان، محرومیت از ارث و ممانعت از ازدواج بیوگان مخالفت کرده است. او در مَنْ نُسِبَ الی أُمَّهِ مِنَ الشُّعْرَاءِ، الْقَابُ الشُّعْرَاءِ و مَنْ یُعْرَفُ مِنْهُمْ بِأُمَّهِ نیز مقام و منزلت اجتماعی مادر را در عصر جاهلی و صدر اسلام به تصویر کشیده و یادآور شده که در میان عرب جاهلی انتساب به نام مادر رنگ تحقیر نداشته و در مواردی بسیار شاعران بدان افتخار کرده‌اند.

منابع

۱. آزاد، ابوالکلام (۱۳۸۰). کوروش کبیر (ذوالقرنین)، ترجمه باستانی پاریزی، تهران، نشر علم.
۲. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۴). «ابن حبيب»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۳. ابن رشد، احمد بن محمد (۱۴۱۵). بداية المجتهد و نهاية المقتصد، تحقيق: محمد صبحی حسن، قاهره، مكتبة ابن تيمية.
۴. ابن حبيب، محمد بن حبيب (الف ۱۳۹۳). القاب الشعراء و من يُعرف منهم بِأُمَّه، نوادر المخطوطات، المجموعة الخامسة، مصر، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي.
۵. _____ (ب ۱۳۹۳). أسماء المعتالين من الأشراف في الجاهلية و الإسلام، نوادر المخطوطات، المجموعة السادسة، مصر، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي.
۶. _____ (ج ۱۴۱۶ق). أمهات النبی، تحقيق: محمد خير رمضان، بيروت، دار ابن حزم.
۷. _____ (د ۱۳۹۳). كنى الشعراء و ألقابهم و يليه من نسب إلى أمه من الشعراء، نوادر المخطوطات، المجموعة السابعة، مصر، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي.
۸. _____ (هـ ۱۳۶۱). المُحَبَّر، حيدر آباد الدكن: مطبعة جميعه دائرة المعارف العثمانية.
۹. _____ (و ۱۴۰۰). مُخْتَلِفُ القَبَائِلِ و المُوْتَلَفُها، تحقيق: ابراهيم اييارى، بيروت، دارالكتب الاسلامي.
۱۰. _____ (ز ۱۴۰۵). المُنَمَّق في أخبار القُرَيْش، تحقيق: خورشيد احمد فاروق، بيروت، عالم الكتب.
۱۱. _____ (ح ۱۳۷۰). من نسب إلى أمه من الشعراء، تصحيح: عبدالسلام هارون، نوادر المخطوطات، المجموعة الاولى، مصر، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي.
۱۲. ابن قتيبه، ابو محمد عبدالله (۱۴۲۳). الشعر و الشعراء، تحقيق: احمد محمد شاكر، قاهره، دارالحديث.
۱۳. ابن كلبى، محمد بن سائب (۱۹۷۷م). المَثَالِب، باكستان، جامعة بنجاب.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مكرم (بى تا). لسان العرب، بيروت، دارالصادر.
۱۵. ابن نديم، محمد بن ابى يعقوب (بى تا). الفهرست، بيروت، دارالمعرفة.
۱۶. ابوالطيب اللغوى، عبدالواحد بن على (۱۴۳۰). مَرَاتِبُ التَّحْوِين، به كوشش: محمد

ابوالفضل ابراهیم، بیروت، مكتبة العصرية.

۱۷. اشرفی، حسین (۱۳۹۶). «محروریت دختر از ارث، بررسی تطبیقی مبانی مشروعیت امویان و عباسیان (دوره اول)»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۷.
۱۸. امیدیان، زینب (۱۳۹۶). «شاخصه‌های هویت عربی در نظام فکری هشام کلبی برپایه انساب‌نگاشته‌های وی (جمهره النسب و نسب معد و یمن الكبير)» مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال نهم، شماره سی و سوم.
۱۹. امین، احمد (۱۹۵۶م). ضحی الاسلام، بیروت، دارالکتاب العربی.
۲۰. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۳). صحیح البخاری، بیروت، دار ابن کثیر.
۲۱. جاحظ، عمرو بن بحر (الف ۱۹۹۰). البُرصان وَ العُرجان وَ العُعمیان وَ الحُولان و کتاب الهیثم بن عدی، تحقیق: عبدالسلام هارون، بیروت، دارالجیل.
۲۲. _____ (ب بی تا). البیان و التبیان، باب فی ذکر المعلمین، تحقیق: عبدالسلام هارون، ۲۴۸-۲۵۷.
۲۳. _____ (ج ۲۰۰۲). الرد علی النصارى، الرسائل الكلامية، شرح: علی ابوملحم، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۲۵۳-۲۸۹.
۲۴. _____ (د ۲۰۰۲). القیان، الرسائل الكلامية، شرح: علی ابوملحم، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۶۱-۶۷.
۲۵. _____ (ه ۲۰۰۲). دَمُّ أخلاق الكُتُب، الرسائل السياسية، شرح: علی ابوملحم، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۶۰۵-۶۱۹.
۲۶. _____ (و ۲۰۰۲). الحجاب، الرسائل السياسية، شرح: علی ابوملحم، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۵۶۵-۵۹۹.
۲۷. _____ (ز ۱۳۸۴). الحيوان، تحقیق: عبدالسلام هارون، دمشق، مصطفى البابی حلبی.
۲۸. جدعان، فهمی (۱۳۹۸). المحنة سیر جدالی دین‌داری و سیاست‌مداری در اسلام بر اساس منابع اهل سنت، ترجمه محمدعلی عسگری، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۹. جعفریان، رسول (۱۳۹۳). منابع تاریخ اسلام، تهران، نشر علم.
۳۰. جواد، علی (۱۹۷۶). المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، بیروت، دارالملايين.

۳۱. حسن، ابراهیم، حسن (۱۳۷۶). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان.
۳۲. حموی، یاقوت (۱۹۹۳ م). *مُعْجَمُ الْأَدْبَاءِ* أو إرشادُ الأريبِ إلى معرفة الأديب، به کوشش: احسان عباس، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
۳۳. خوارزمی، محمد بن عباس (۱۳۸۴). الرسائل، تصحیح: محمد مهدی پورگل، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳۴. روزنتال، فرانتس (۱۳۶۳). تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۵. زبیدی، محمد بن الحسن (۱۹۸۴ م). طبقات النحویین و اللغویین، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، دارالمعارف.
۳۶. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶). تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر.
۳۷. زیدان، جرجی (۱۳۹۴). تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر.
۳۸. سجادی، صادق و هادی عالم‌زاده (۱۳۸۸). تاریخ نگاری در اسلام، تهران، سمت.
۳۹. طبری، محمد بن جریر (بی‌تا). تاریخ الامم و الملوک (تاریخ الطبری)، تحقیق: ابوصهب کرمی، اردن، بیت الافکار الدولية.
۴۰. قفطی، جمال‌الدین ابی‌الحسن علی بن یوسف (۱۴۰۶). *إنباه الرؤاة علی أئبائه النحاة*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالفکر العربی.
۴۱. ممتحن، حسین علی (۱۳۵۴). *نهضت شعوبیه جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۲. میمنی، عبدالعزیز (بی‌تا). *من نُسبَ إلى أمّه من الشعراء*، تحقیق: السید محمد یوسف، بی‌جا.

43. Abed el-Rahman Tayyara, «ibn Ḥabīb̄s kitāb *al-muḥabbar* and its place in early Islamic Historical Writing».

44. Bray, Julia, (2003), «lists and memory ibn qutayba and muhammad b. habib», *culture and memory in medieval islam*, london: the institute of ismaili studies.

45. Lichtenstadter, Ilse (1939), «Muhammad ibn habib and his *kitab al-muḥabbar*», *Journal of the royal Asiatic Society of Great Britian and Irland*, No.1 jan ,pp.1-27.

46. Lichtenstadter, Ilse (1993), «Muhammad b.habīb»«encyclopedia of islam », VII,
Leiden: Brill.
47. Rosental, Franz (1968) ,*A History of muslim historiography*history, Leiden, E. J.Brill.